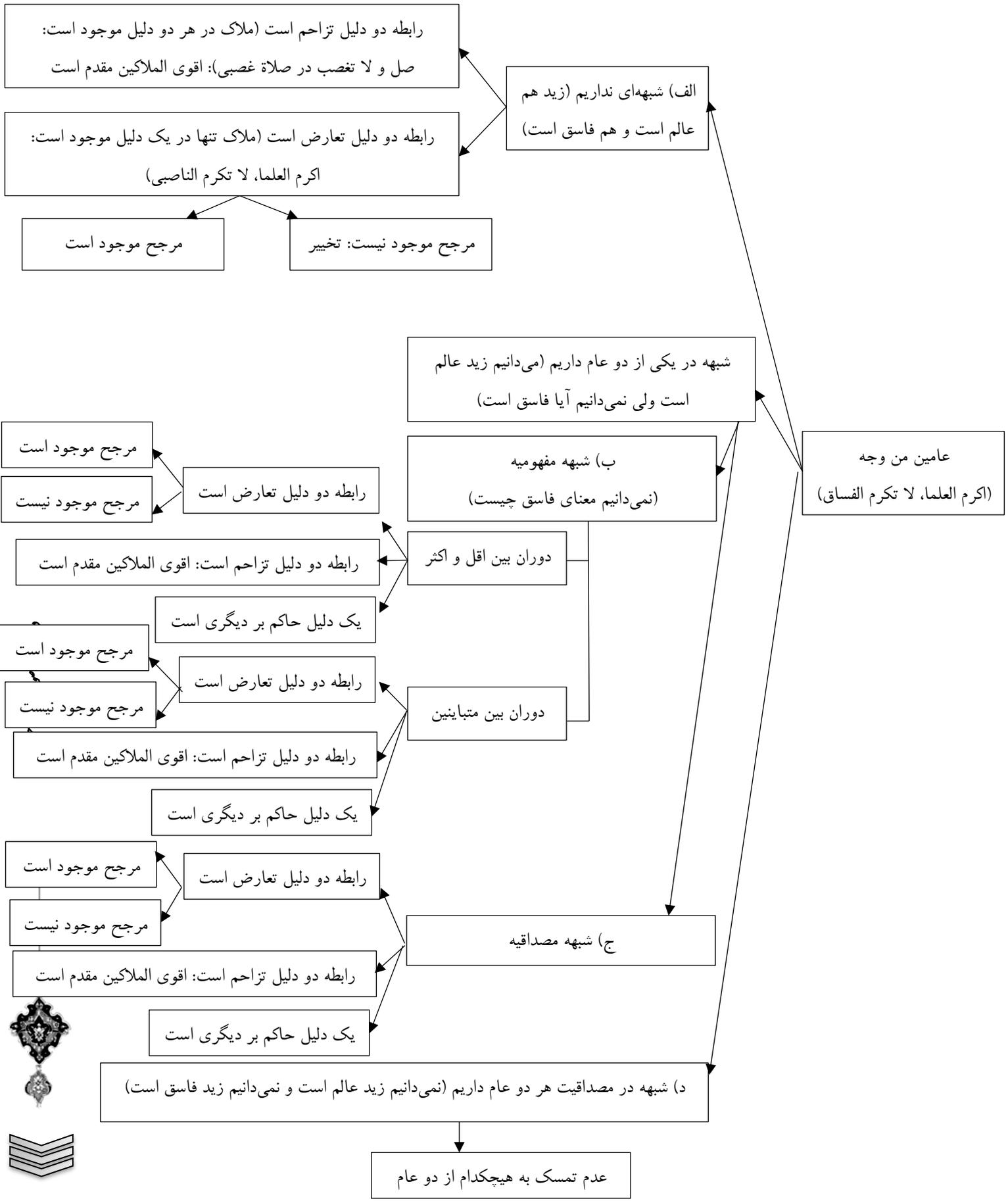


## مسئله: تمسک به یکی از دو عام من وجه

۱. در مباحث قبل درباره «تمسک به عام مطلق در شبهات خاص مطلق» سخن گفتیم اما اکنون سخن درباره جایی است که رابطه عام و خاص، به نحو مطلق نیست، بلکه عامین من وجه هستند.
۲. بحث در اینجا (عامین من وجه) هم از جهات مختلف قابل طرح است





## نکته ۱:

توجه شود که در اینکه آیا مرجحات باب تعارض، در عامین من وجه جاری می‌شود، توسط برخی مورد خدشه است.

## نکته ۲:

فرق بین حکومت و تعارض و تراحم در فرض (ب) و (ج) را در ذیل کلام حضرت امام خواهیم شناخت.

### سخن مرحوم بروجردی

مرحوم بروجردی تنها به صورتی که شبهه مصداقیه در یکی از دو عام باشد [فرض ج] اشاره کرده است و می‌نویسد:

۱. در صورتی که دو عام من وجه موجود باشد («اکرم العلماء» و «لا تکرّم کلّ الرجل الفاسق»)، اگر می‌دانیم زید هم عالم است و هم فاسق است؛

اگر مقتضی یکی از دو حکم اقوی است، همان حکم را مقدم می‌دانیم (تراحم دو مقتضی) مثلاً اگر اقتضای وجوب اکرام عالم از اقتضای تحریم اکرام فاسق اقوی است، زید را اکرام می‌کنیم. و اگر مقتضی‌ها مساوی است حکم به تخییر می‌کنیم.

«إذا ورد حکمان متنافیان علی عنوانین مستقلّین یکون بینهما عموم من وجه، کقوله: «أکرّم

العلماء»، و «لا تکرّم الفسّاق»، أو «لا تکرّم کلّ رجل فاسق»، فإن علم تصادقهما علی موضوع و مصداق خارجیّ، فلا إشکال فی تقدیم أقوى المقتضیین، و الحکم بالتخییر و التساوی فی صورة عدم رجحانها؛ لأنّ المورد من قبیل تراحم المقتضیین»<sup>۱</sup>

۲. اما اگر می‌دانیم زید مصداق عام هست ولی شک داریم که آیا مصداق «رجل فاسق» هم هست؛ آیا می‌توان در چنین صورتی به «اکرم العلماء» تمسک کرد و چنین استدلال کرد که:

حجیت عام (اکرم العلماء) تمام است و مصداقیت زید برای عالم قطعی است، و شک داریم که آیا مقتضی تحریم هم در او موجود است یا نه، (و لذا شک داریم که آیا مقتضی مزاحم دیگری هم موجود است یا نه)؛ پس در مورد زید به اکرم العلماء تمسک می‌کنیم.

«و أمّا لو علم صدق أحد العامّین علی فرد، و شکّ فی کونه مصداقاً للآخر، کأن علم کون زید عالماً، و شکّ فی فسقه، فهل يتمسک بعموم «أکرّم العلماء»؛ بما لاک أنّ حجّیة العامّ تامّة، و کون الفرد مصداقاً له مُحَرَّزاً بالوجدان، و نشکّ فی وجود حجّة مزاحمة له، أو لا يجوز؛ لأنّ

۱. لمحات الاصول، ص ۳۲۵



الخارج عن العامّ - على فرض التصادق - هو الأفراد الواقعيّة، فالشكّ في الفرد هو الشكّ في حجّية العامّ بالنسبة إليه»<sup>۱</sup>

۳. مرحوم بروجردی می نویسد که در چنین صورتی زید را اکرام می کنیم و می گوئیم باید در مورد فرد مشکوک به عام رجوع کنیم:

«و الحقّ هو الأوّل؛ لأنّ الحكم الثابت لعنوان مستقلّ آخر، ليس من قبيل الإخراج و التخصيص؛ حتّى يأتي فيه ما ذكرناه سابقاً، بل من قبيل إثبات حكم لموضوع مقتض له، فالموارد المتصادقة من قبيل تزامم الحجّتين، لا تخصيص أحدهما بالآخر، فالفرد المشكوك فيه - بعد تماميّة إحدى الحجّتين بالنسبة إليه، و عدم تماميّة الاخرى - لا محيص عن التمسكّ بالحجّة، و ليس رفع اليد عنها إلّا بغير الحجّة، و هذا ممّا لا إشكال فيه»<sup>۲</sup>

توضیح:

۱. چنین صورتی از قبیل تخصیص نیست بلکه از قبیل تزامم است
۲. چرا که تخصّص از زمره موارد تعارض است
۳. و وقتی یک دلیل نسبت به افرادش، اقتضای تام دارد، مادامی که یقین به اقتضای دیگری نداریم، حکم آن دلیل را بر افرادش ثابت می دانیم.

ما می گوئیم:

چنانکه در تصویر بحث گفتیم در همین فرض ج، هم می توان بحث را به نحو تعارض هم فرض کرد.

**سخن امام خمینی:**

- \* ۱. حضرت امام هم بحث را تنها در فرض (ج) مطرح می کنند ولی برخلاف مرحوم بروجردی، بحث را در ۳ فرض (حکومت، تعارض و تزامم) مطرح می کنند:
- \* ۲. ایشان ابتدا به صورتی که «یک عام من وجه به عام من وجه دیگر حاکم شود» مورد اشاره قرار می دهند و می نویسند:

«إذا ورد حکمان متنافیان علی عنوانین مستقلّین بینهما عموم من وجه، فقد یكون أحدهما حاکماً علی الآخر، فیصیر من قبیل المخصّص، فمع الشبهة المصداقیة فی مصداق الحاکم لا یجوز التمسکّ بالعامّ المحکوم، لعین ما تقدّم»<sup>۳</sup>

۱. همان

۲. همان، ص ۳۲۶

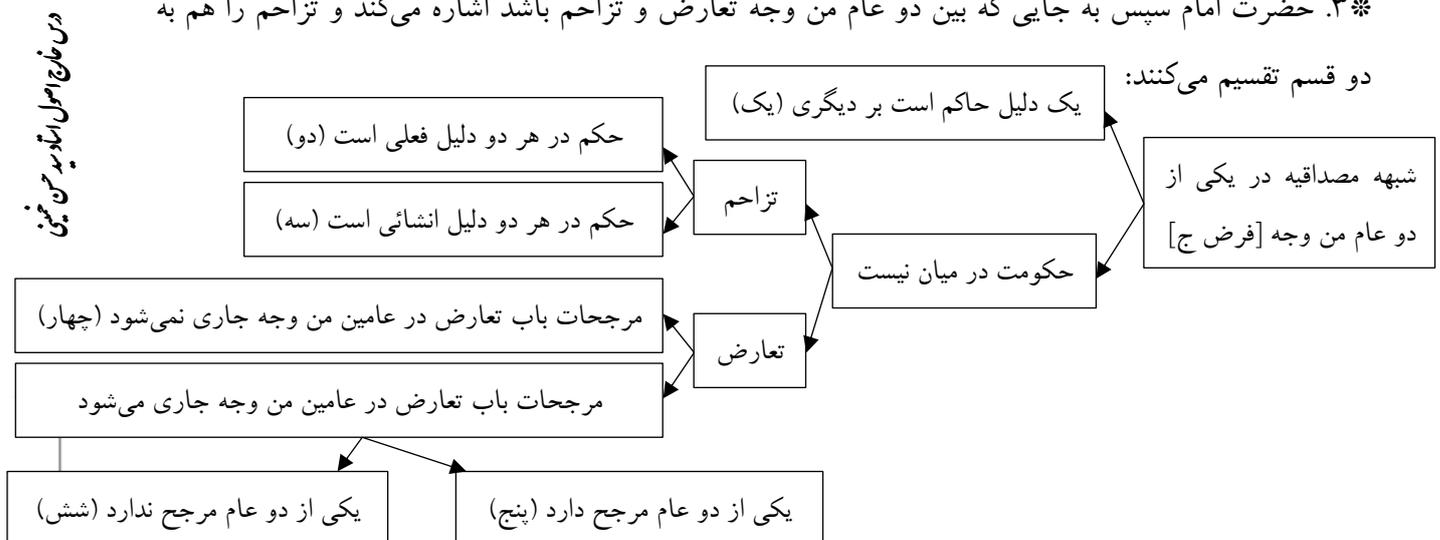
۳. مناهج الوصول، ج ۲، ص ۲۵۵



توضیح:

۱. اگر «لا تکرّم الفساق» حاکم بر «اکرم العلماء» باشد، در حقیقت دلیل موضوع «اکرم العلماء» مقید شده است و تبدیل به «اکرم العلماء غیر الفساق» شده است ولی دلیل «لا تکرّم الفساق» مطلق باقیمانده است. («اکرم العلماء» محکوم است و «لا تکرّم الفساق» حاکم است).
۲. در این صورت اگر شک داریم که «زید» که عالم است، فاسق است یا نه، نمی‌توانیم به اکرم العلماء تمسک کنیم (چرا که مثل تمسک به عام در شبهه مصداقیه عام است)
۳. [ما می‌گوییم: تعبیر حکومت که در کلام حضرت امام مطرح است، به این جهت مورد استفاده است که امام می‌خواهند بگویند یکی از دو عام من وجه موضوع عام دیگر را مضیق می‌کند. یعنی جمع بین «اکرم العلماء» و «لا تکرّم الفساق»، به این است که موضوع دلیل اول (محکوم) مضیق شده است و گویی شارع می‌گوید «عالم فاسق» را اصلاً عالم نمی‌داند (و یا دلیل «اکرم العلماء» اصلاً شامل علمای فاسق نمی‌شود) و لذا اگر شک در فسق یک عالم، داشته باشیم، شک در موضوعیت آن فرد برای «اکرم العلماء» داریم (شبهه مصداقیه عام)]

\*۳. حضرت امام سپس به جایی که بین دو عام من وجه تعارض و تراحم باشد اشاره می‌کند و تراحم را هم به



درس خارج اصول اسلامی در مین

